

بررسی عوامل موثر بر حاشیه نشینی و بازتاب های آن، با تأکید بر کاربری خدمات شهری (مورد: شهر یزد)

دکتر مهری حیدری نوشهر

دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
(عهده دار مکاتبات) mp.heidari@yahoo.com

دکتر اصغر نظریان

دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری و استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۲۳

چکیده:

وجه مشخصه شهرنشینی جهان سومی، ناموزونی و نابرابری است. اشاعه قابل توجهی از ثروت و از سوی دیگر اقلیت هایی که در فقر زندگی می کنند، از ناکامی های خط مشی شهری قلمداد می شوند. حاشیه نشینی از پیامدهای توسعه ناهمسو و بدریخت در نظام شهرنشینی است. کاربریهای شهری در قشربندی اجتماعی و اقتصادی تاثیرگذار است و وقتی حاشیه نشینان خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی - اجتماعی خویش احساس کردند، نوعی محرومیت در آنها بوجود آمده و آنها را به ارتکاب جرائم اجتماعی وادار کرده است. تحقیق حاضر بررسی علل شکل گیری حاشیه نشینی را در ارتباط با شاخص های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تجاری، ورزشی، فضای سبز و بازتاب های اجتماعی ناشی از آن، در شهر یزد مورد بررسی قرار داده است. روش تحقیق، ترکیبی از روش های اسنادی، تحلیلی و پیمایشی است.

با توجه به تفاوت ضریب پراکندگی کاربریها و خدمات شهری که در محلات حاشیه نشین برابر ۱۸۸/۹ و در محلات غیر حاشیه نشین برابر ۱۴/۴۹ است، چنین استنباط می شود که شاخصهای مذکور به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار در حاشیه نشینی محسوب می شوند. بر اساس مدل های رتبه بندی سکونتگاهها، درجه توسعه یافتگی در ۴۱ محله شهر تفاوت چشمگیری را نشان داده است. همچنین میزان اعتبار همبستگی بین عدم توسعه یافتگی و حاشیه نشینی با ۰/۰۳۵ قابل اعتبار بوده است. بر اساس رگرسیون خطی نیز ارتباط معنی داری بین حاشیه نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و عدم توسعه یافتگی وجود داشته است. علاوه بر این، نتایج مدل خوشه ای، حاکی از این است که برای حاشیه نشین بودن یک محله، غیر از کمبود خدمات و کاربریها، فاکتورهای دیگری نیز مطرح بوده است. یافته های این قسمت از تحقیق به موازات دیدگاه بوم شناسی شهری است.

یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق در رابطه با بازتاب‌های اجتماعی حاشیه نشینی بوده است. جامعه آماری این بخش را کلیه خانوارهای حاشیه نشین شهر یزد تشکیل داده است. بر این اساس نمونه‌ای به حجم ۲۸۲ نفر از ساکنین مناطق حاشیه‌ای شهر یزد انتخاب و مشخص گردید که افراد بیکار و با درآمد پایین نسبتاً بیشتر مرتکب جرائم اجتماعی شده‌اند. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین مهاجرت و ارتکاب جرائم اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. نتایج این تحقیق، همسو با نظریات قشربندی اجتماعی بوده است.

واژه های کلیدی: پراکندگی فضایی، حاشیه‌نشینی، خدمات شهری، آسیب های اجتماعی و شهر یزد

مقدمه

یکی از مهمترین تحولات اجتماعی در نیم قرن اخیر توسعه شهرنشینی^۱ است. در ایران نسبت شهرنشینی از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). رشد شتابان شهرنشینی عواقب و پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با آسیب های شهری متعددی همراه شده است. ناهنجاریهای تأسیساتی، آسیب‌های اقتصادی، آسیب‌های زیست محیطی، نارسائی‌های خدماتی در حوزه های شهری و به دنبال آن ایجاد محله‌های حاشیه نشین از جمله پیامدهای شهرنشینی شتابان بشمار می‌رود. مفهوم حاشیه‌ای شدن حاکی از وجود یک پیرامون اقتصادی یا اجتماعی است و حکایت از آن دارد که مردم «خارج از نظام» زندگی می‌کنند. در این زمینه مسئله مهم، تاثیر کاربریهای شهری در قشربندی اجتماعی و اقتصادی است (رضویان، ۱۳۸۱، ص ۷۰ و پاتر، ۱۳۸۴: ۲۶۱). قشربندی اجتماعی، بیشتر بر نابرابری ها تأکید دارد و هدف بسیاری از جغرافیدانان کشف نابرابری هایی است که در اثر توزیع نامناسب منابع و امکانات بوجود می‌آید و این امر همواره مورد توجه برنامه‌ریزان شهری بوده و نظریه پردازان برنامه‌ریزی شهری را به ارائه فرضیاتی پیرامون پیدایش نابرابری وا داشته است (arbakaf, 2008: 28). در این زمینه دیوید هاروی معتقد است؛ تنها با حذف ساز و کارهای حاکم بر نظام کاربری زمین می توان از تشکیل گتوهای فقر جلوگیری کرد. از سوی دیگر مناطق حاشیه‌نشین از نظر کالبدی دارای تمایزات ناهمگون با سایر مناطق شهری و وضعیت نامطلوب هستند (حاتمی نژاد، ۱۳۸۲: ۲۲؛ قربان‌نیا، ۲۲۷: ۱۳۸۰-۲۸۱؛ برآبادی، ۱۳۸۴: ۱۲۶؛ امکچی، ۱۳۸۱: ۲۰؛ شکویی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). در این پژوهش منظور از حاشیه‌نشینان کسانی هستند که نتوانسته‌اند جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شوند و مکان‌گزینی آنها، اغلب در اراضی حاشیه شهرها و به صورت غیرقانونی صورت گرفته است. لذا مقاله حاضر به بررسی اثرات توزیع خدمات شهری بر شکل‌گیری و پراکندگی فضایی محله های حاشیه نشین در سطح شهر یزد و شناخت پیامدهای منفی ناشی از آن پرداخته است.

طرح مسئله

وجه مشخصه شهرنشینی جهان سومی فعلی، ناموزونی و نابرابری^۲ است. اشاعه قابل توجهی از ثروت و از سوی دیگر اقلیت هایی که در فقر زندگی می‌کنند، از ناکامی های خط مشی شهری قلمداد می‌شوند (هال، ۱۳۸۷: ۳۱۱)؛

^۱ - Urbanization

^۲ - Inequality

وارثی، ۱۳۸۶). آثار این نابرابریها در شکل استفاده از فضا نیز بازتاب پیدا می‌کند و باعث می‌شود تا گروه‌های کم درآمد شهری مجبور به سکونت در حاشیه شهرها شوند. این امر که منجر به ساخت و سازهای بدون برنامه و شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی^۱ شده است، یک شیب اجتماعی رو به پایین سکوتی از هسته به سوی مناطق حاشیه ای را بوجود آورده است (پوراحمد، ۱۳۸۶: ۲۲۰؛ نظریان، ۱۳۸۴: ۳۷؛ ۱۳۸۵: ۲). «حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه ناهمسو و بدریخت در نظام شهرنشینی و تهدید کننده امنیت و رفاه عمومی ساکنان خود است» (هیراسکار، ۱۳۸۷، ۱۰۹) و بازتاب کالبدی آن در قطعه بندی های کوچک زمین و مسکن و کمبود خدمات پایه، آنها را در زمره محله های فقیر شهری قرار می‌دهد. از این رو وقتی حاشیه نشینان پراکندگی نابرابر خدمات شهری را ناعادلانه بدانند، احساس محرومیت در آنها بوجود می‌آید (Kovandzic, 1998). در واقع آنها زنگ خطری برای جوامع شهری تلقی می‌شوند و رهاسازی آنها منجر به تشدید مسأله خواهد شد. فقر، بیکاری و دیگر ویژگی‌های حاشیه‌نشینان در کنار پدیده گمنامی در شهرها باعث می‌شود که انواعی از انحرافات و آسیبهای اجتماعی در محیط‌های حاشیه ای شهرها رخ دهد. در کشور ما نیز اگرچه از دهه‌های گذشته پدیده ای موسوم به حاشیه‌نشینی رخ نموده است، اما در دو دهه اخیر بر سرعت و شدت مسأله افزوده شده است. شهر یزد نیز، به تبع گسترش شتابان شهرنشینی با پدیده حاشیه‌نشینی در بعضی از محلات بافت قدیم و مناطق پیرامونی مواجه گردیده است. از اینرو تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است.

- آیا شکل‌گیری محله های حاشیه نشین شهر یزد تحت تأثیر نابرابری محله ها در برخورداری از کاربریها و خدمات شهری است؟

- آیا محلات غیر حاشیه نشین در شهر یزد از کاربریها و خدمات مطلوب شهری برخوردارند؟

- چه رابطه ای بین عوامل موثر بر حاشیه نشینی و آسیبهای اجتماعی در محلات حاشیه نشین شهر یزد وجود دارد؟

این سوالات موضوعات و فرضیه هایی را بشرح زیر مطرح می‌سازند.

۱- نابرابری برخورداری محله ها از کاربریها و خدمات شهری از شاخصهای اثرگذار در شکل‌گیری محله های حاشیه نشین در شهر یزد بوده است.

۲- بین عوامل موثر بر شکل‌گیری حاشیه نشینی و آسیب های اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

مبانی نظری تحقیق

اولین کسی که اصطلاح حاشیه‌نشینی را به کار برد، رابرت ای. پارک بود. پارک در مقاله «مهاجرت بشر و انسان حاشیه‌نشین» حاشیه‌نشینی را نتیجه عملکردهای اقتصادی- سیاسی می‌داند (انصاری، ۱۳۶۹: ۳۹). ویلیام فوت وایت (۱۹۴۳) در کتاب خود به نام «جامعه کنار خیابان» تمایزات میان محلات را روشن می‌سازد. پیترو لویید از دیدگاه پدیدارشناسی به بررسی زاغه‌های حاشیه شهر پرداخته و این نوع مسکن را «زاغه‌های امید» خوانده است. «نظام اجتماعی زاغه» عنوان اثری است که ساتلز (۱۹۶۸) در آن فضای فیزیکی را عنصر اساسی در فرآیندهای اجتماعی می‌داند.

^۱ - Ghetto

دیدگاه بوم شناسی شهری، صحنه شهری را محل تنازع بقا و جای گیری مناسب تر در بهترین فضای شهری تحلیل می کند (پیران، ۱۳۸۰: ۳۳). در این زمینه ارنست برگس و لوئیس ورث معتقدند علت شکل گیری مناطق حاشیه نشین تمرکز گروه های فقیر در نواحی فاقد خدمات کافی است (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۹۰-۱۸۸) در نظریه کاربری اراضی شهری^۱، شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می گیرد، نتیجه رقابت گروه های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر است. در این صورت بازندگان این رقابت به ظهور پدیده هایی نظیر زاغه نشینی^۲، حاشیه نشینی، حلبی آباد^۳ و... دامن می زنند (قرخلو، ۱۳۸۳: ۸۸). مارشال کلینارد و ارنست برگس از طرفداران این نظریه معتقدند که حاشیه نشینی بر اثر تقسیم فضاهای شهری حاصل می آید (Clinard, 1966: 18).

در دیدگاه لیبرالی پدیده حاشیه نشینی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و به دنبال راه کارهای بهینه سازی شرایط زندگی در مناطق حاشیه نشین هستند و با اعطای زمین به اشکال مختلف، دادن وام و کنترل دولتی زمین، موضوع را خاتمه یافته تلقی می نمایند (باوی، ۱۳۸۴: ۲۰-۲۲؛ شیخی، ۱۳۸۰: ۳۰).

بر اساس دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا، در فرایند شهرنشینی شتابان و ناهمگون به موازات رشد نامتعادل اقتصادی، نابرابری درآمدها افزایش می یابد و عدم تعادل های ساختاری در جامعه شتاب می گیرد. در این دیدگاه به علل پیدایش مناطق حاشیه نشین توجه شده و کوشش می گردد تا ریشه مسأله شناسایی شود (باوی، ۱۳۸۴: ۴-۲۲؛ حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۶). جامعه گرایان جدید نیز پدیده حاشیه نشینی را نتیجه نابرابری های اقتصادی- اجتماعی می دانند. اینان معتقدند که به دلیل بروز کمبودها و نارسایی تسهیلات زیر بنایی، اجتماعی و کالبدی، محله های حاشیه نشین شکل می گیرند (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۷). از نظر جامعه شناسان گروه ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری اند به موقعیت «زیست در متن» دست می یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی ایفا می کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده شدگی طبقاتی است که در وضعیت «زیست در حاشیه» بسر می برند و در گستره فعالیت های شهری نقشی نیمه فعال یا غیرفعال دارند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۳). مانوئل کاستلز حاشیه نشینی شهری را مولود نابرابری های اقتصادی- اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون می داند (آقابخشی، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

بخشی از دیدگاه قشر بندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی خوانده می شود که بیشتر بر ابعاد جرم شناختی نابرابری اقتصادی- اجتماعی تأکید دارد تا بر فقر مطلق (Messner, 1982; Williams, 1984). این احساس محرومیت، زمانی تشدید می شود که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی- اجتماعی خویش احساس نمایند. نتایج چندین تحقیق، ارتباط مورد انتظار میان محرومیت نسبی و جرم را تأیید کرده اند (Fowles and Merva, 1996).

در نظریه فشار به بلوکه شدن فرصت های اقتصادی- اجتماعی بعنوان عاملی در جرم و بزهکاری توجه می شود. از نظر رابرت اگنیو عدم دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت است که باعث هدایت افراد به سمت کانال های نامشروع می شود. حذف انگیزه های ارزشمند مثبت (مانند طلاق) نیز می تواند عامل فشار باشد. چون فرد سعی می کند تا بخاطر آنچه که از دست رفته انتقام بگیرد، منجر به بزهکاری می شود (Agnew, 1999, 127; Agne, 1992, 57-59).

¹ - Urban landuse

² - Squatter settlement

³ - Shanty town

(Seigel a, 1997, 159). و مورد آخر، ایجاد فشار در نتیجه وجود انگیزه‌های منفی با حضور محرک‌های منفی یا مضر (مانند تنبیه بدنی و زد و خورد خانوادگی) می باشد (Seigel, 199: 180).

روش تحقیق

روش مطالعه پژوهش، ترکیبی از روش‌های اسنادی، تحلیلی و میدانی است. جهت بررسی تأثیر نابرابری کاربریها و خدمات در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، ابتدا ۶ گروه از کاربریها و خدمات اساسی سطح محله (آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تجاری، فضای سبز و ورزشی) مورد بررسی قرار گرفتند برای آزمون فرضیات و تحلیل کمی از روشهای آماری و چند مورد از مدل‌های سطح بندی سکونتگاهها شامل جمع واحدهای خدماتی، استانداردسازی داده‌های مختلف الجنس، مدل ضریب ویژگی، مدل تاکسونومی عددی، مدل موریس و مدل ضریب پراکندگی استفاده شده است. نتایج حاصل از این مدلها با مدل خوشه‌ای یا کلاستر توسط نرم افزار spss سطح بندی شده است. در مرحله بعدی ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است که داده‌های آن نیز با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بررسی محدوده مطالعاتی شهر یزد

شهر یزد با وسعت ۹۹/۵ کیلومترمربع در مرکز استان یزد و در مسیر جاده اصفهان - کرمان واقع گردیده است. تعداد جمعیت این شهر در سال ۱۳۸۵ برابر ۴۳۲۱۹۴ نفر و رشد سالانه آن ۲/۸ درصد می باشد (مهندسین مشاور شهرسازی و معماری، ۱۳۸۶). شهر یزد به لحاظ ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی به ۴۱ محله همگن تقسیم شده است که تعداد بیشتری از این محلات جزو محلات برخوردارند در صورتی که ده محله جزو محله‌های حاشیه‌نشین می باشند. محله‌های شماره ۱ (نصرآباد)، شماره ۲ (سجادیه)، شماره ۴ (امیرآباد)، شماره ۸ (چرخاب)، شماره ۱۱ (مریم‌آباد)، شماره ۱۸ (فهادان)، شماره ۱۹ (سیدالشهدا)، شماره ۲۰ (مهدی‌آباد)، شماره ۳۵ (خیرآباد) و شماره ۳۶ (عیش‌آباد) از جمله آنها می باشند. در واقع تمامی این محله‌ها، آبادی‌ها و روستاهایی هستند که طی چند دهه اخیر در روند گسترش شهر، به شهر یزد پیوند خورده و در آن ادغام گردیده‌اند (شکل شماره ۱).

حاشیه‌نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و کاربریها در شهر جهت سنجش میزان نابرابری، محلات مختلف شهر یزد بر اساس حاشیه‌نشینی و غیر حاشیه‌نشینی بودن آنها، به تفکیک هر کاربری و خدمات و با استفاده از مدل ضریب پراکندگی^۱ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند در این مدل مقدار بالای CV نشان دهنده نابرابری بیشتر در بین مناطق بوده و کاهش آن نشان از تعادل در توزیع شاخصها و برابری (تخصیص بهینه کاربری) در خدمات رسانی و توزیع خدمات و شاخصها در منطقه است. بر اساس این مدل از میان

$$CV = \frac{\sqrt{\frac{\sum_{i=1}^N (x_i - \bar{x})^2}{N}}}{\frac{\sum_{i=1}^N x_i}{N}}$$

^۱. Coefficient of Variation

۶ شاخص مورد مطالعه، ۴ شاخص آموزشی، بهداشتی، ورزشی و فضای سبز به ترتیب با ضرایب ۰/۷۸، ۰/۵۸، ۲/۳۱ و ۱/۷۵ در محلات حاشیه نشین تمرکز بسیار ضعیف و ناعادلانه ای را داشته اند اما دو شاخص دیگر (فرهنگی و تجاری) با ضرایب ۰/۵۸ و ۰/۶۴ در محلات حاشیه نشین توزیع متناسب را نشان میدهند که علت آن استقرار مراکز فرهنگی- مذهبی و بازارهای سنتی در بافت قدیمی و فرسوده شهر است. لذا ارتباط و همبستگی بسیار بالایی بین تخصیص ناعادلانه کاربریها و حاشیه نشینی در شهر یزد وجود داشته و با در نظر گرفتن ضریب پراکندگی کل شاخصها در محلات حاشیه نشین (۱۸۸/۹) و محلات غیر حاشیه نشین (۱۴/۴۹) چنین استنباط می شود که این شاخصها ۱۳/۱۱ برابر در ضریب پراکنش، دارای عدم تعادل بوده و کاربریها در محلات غیر حاشیه نشین تمرکز بالایی را داشته و به عنوان یکی از عوامل تاثیر گذار در حاشیه نشینی محسوب می شوند (جدول شماره ۱ و شکل شماره ۲).

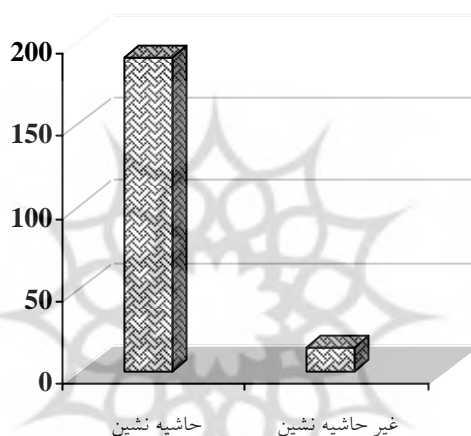


شکل شماره ۱: نقشه محله های شهر یزد

جدول شماره ۱- ضریب پراکندگی کاربریها در محلات شهر یزد

شاخص	محلات حاشیه نشین	محلات غیر حاشیه نشین
آموزشی	0.799	0.64
بهداشتی	9.589	2.31
فرهنگی	0.59	175.07
تجاری	0.64	0.87
ورزشی	2.31	1.82
فضای سبز	175.07	2.57
کل شاخصها	188.98	14.49

مأخذ: محاسبات نگارنده



شکل شماره ۲: نمودار ضریب پراکندگی کل شاخصها

بررسی میزان عدم توسعه یافتگی و حاشیه نشینی

عدم توسعه یافتگی یکی از آثار نامطلوب توزیع ناعادلانه امکانات در مکانهای مختلف است. لذا برای سنجش درجه توسعه یافتگی محلات شهر یزد از میزان تخصیص کاربریها استفاده گردیده است. در این مبحث میزان این عامل در حاشیه نشینی سنجش و بصورت ضریبی بین ۱ و ۱- بیان شده است. جهت سنجش این عامل ابتدا درجه توسعه یافتگی محلات مختلف شهر یزد از طریق مدلهای ذیل برآورد شده و درجه توسعه یافتگی نهایی هر محله از ترکیب نهایی مدلهای مشخص گردید.

جمع واحدهای خدماتی

ابتدا جمع واحدها و مؤسسات موجود در هر محله که مشتمل بر ۴۱ گروه می شدند محاسبه گردید. و بر اساس تعداد مؤسسات در هر یک از محله ها، محله های مختلف رتبه بندی گردیدند. در این مدل محله های شماره ۱۵،

۳۳، ۱۲، ۲۱، ۱۰ و ۷ به ترتیب رتبه های اول تا ششم را به خود اختصاص داده اند. و محله های شماره ۳۹، ۱۹، ۳۸، ۸ و ۴۱ به ترتیب کمترین رتبه ها را دارا می باشند

مدل استاندارد سازی داده های مختلف الجنس (Z استاندارد)

از آنجایی که هر یک از عضوهای ماتریس فوق، بر شاخص های مختلفی که لزوماً واحدهای یکسانی ندارند دلالت دارد برای مستقل کردن شاخص ها از واحد، آن را استاندارد می کنیم تا مشکل ناهمسانی واحدها از بین برود. برای استاندارد کردن لازم است میانگین و انحراف معیار هر ستون را محاسبه کنیم. پس از آن از طریق فرمول Z استاندارد شده برای استاندارد کردن ماتریس داده ها استفاده می کنیم.

$$Z_{ij} = \frac{X_{ij} - \bar{X}_j}{S_j} \quad \bar{X}_{ij} = \frac{\sum_{i=1}^n X_{ij}}{n} \quad S_j = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (X_{ij} - \bar{X}_{ij})^2}{n}}$$

در جدول استاندارد شده بزرگترین مقدار هر ستون را مقادیر ایده آل می گویند. ویژگی ماتریس استاندارد داده ها این است که اولاً شاخص ها به مقیاس واحد تبدیل شده است ثانیاً انحراف معیار یک و میانگین صفر می باشد. بر اساس مدل متغیرهای استاندارد شده و ترکیب داده های مختلف الجنس، محله های شماره ۱۵، ۳۳، ۷، ۱۲ و ۲۱ حایز رتبه های اول تا پنجم شده و محله های ۳۹، ۱۹ و ۸ در رتبه های آخر قرار گرفتند.

مدل تاکسونومی عددی

یکی از روشهای درجه بندی از لحاظ درجه توسعه یافتگی، روش آنالیز تاکسونومی است. نوع خاصی از این روش، آنالیز تاکسونومی عددی است. این روش برای اولین بار توسط آدانسون در سال ۱۷۶۳ میلادی پیشنهاد گردید. روش آنالیز تاکسونومی قادر است یک مجموعه را به زیر مجموعه های کم و بیش همگن تقسیم کرده، یک مقیاس را که مورد استفاده در امر برنامه ریزی باشد برای شناخت درجه توسعه یافتگی ارائه دهد.

مرحله اول: محاسبه میانگین و انحراف معیار واحدهای خدماتی

مرحله دوم: استاندارد سازی داده های مختلف الجنس (Z استاندارد)

مرحله سوم: دسته بندی محله های همگن و تعیین مقدار سرمشق توسعه

در این مرحله داده های مربوط به اولین ماتریس X را برای گروه همگن تشکیل داده و بعد از آنکه مجدداً ماتریس استاندارد را حساب کردیم، در ماتریس استاندارد برای هر ستون بزرگترین مقدار را پیدا می کنیم و نام آن را مقدار ایده آل می نامیم.

فاصله هر محله و محله ایده آل در مورد هر یک از شاخص ها، یک جزء از یک فرم را به دست می دهد که شاخص مرکب این فواصل یک فرم کلی را به وجود آورده که نشان دهنده فاصله مرکب یک منطقه از منطقه ایده آل است که آن را سرمشق توسعه می نامند و با Cio نشان می دهند. که عبارت است از فاصله منطقه i تا منطقه 0 و از فرمول زیر محاسبه می شود:

$$C_{io} = \frac{\sum_{i=1}^n C_{io}}{n}$$

Cio سرمشق توسعه نامیده می شود که هر قدر کوچک باشد دال بر توسعه یافتگی آن ناحیه است، یعنی فاصله بین **i** با منطقه ایده آل کمتر است و هر چقدر **Cio** بیشتر باشد، دلیل بر عدم توسعه ناحیه **i** خواهد بود. مرحله چهارم: محاسبه درجه توسعه مناطق

پس از تعیین سرمشق توسعه برای هر یک از مناطق، درجه توسعه یافتگی مناطق از فرمول زیر به دست می آید:

$$F_i = \frac{C_{io}}{C_o} \quad \bar{C}_{io} = \frac{\sum_{i=1}^n C_{io}}{n} \quad C_o = \bar{C}_{io} + 2S_{io}$$

$$S_{io} = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (C_{io} - \bar{C}_{io})^2}{N}}$$

در این روش مقدار **Fi** (DI) بین صفر و یک متغیر است. هر چقدر به صفر نزدیک تر باشد نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر و هر قدر به یک نزدیک تر باشد علامت عدم توسعه یافتگی است. طبق نتایج تاکسونومی عددی، محله های شماره ۱۵، ۷، ۳۳، ۱۲ و ۲۱ در رتبه های اول تا ششم و محله های شماره ۳۹، ۱۹ و ۳۸ در رتبه های آخر قرار گرفته اند

مدل ضریب ویژگی

در این روش، سرویس ها در چند دسته (آموزشی، فرهنگی و...) تقسیم می شوند (جدول شماره ۴-۲)، سپس به نقش سرویس های خدماتی در محله های شهر یزد پرداخته می شود. برای سنجش نقش و اهمیت هر عنصر (سرویس های خدماتی) در یک سیستم شهری به درجه سرویس دهندگی آن عنصر در کل سیستم، میتوان توجه نمود. ساختار کلی مدل ضریب ویژگی عبارت است از:

$$OSd_{ij} = \frac{\sum_{i=1}^m X_{ij}}{\sum_{j=1}^m X_{ij}} \cdot X_{ij}$$

OSd_{ij} : ضریب ویژگی هر سرویس در یک مرکز جمعیتی

$\sum_{i=1}^m X_{ij}$: جمع کل سرویس ها در مرکز جمعیتی **j**

$\sum_{j=1}^m X_{ij}$: جمع سرویس نوع **i** در تمام مراکز جمعیتی

X_{ij} : سرویس نوع **i** در مرکز جمعیتی **j**

با استفاده از انواع خدمات و امکانات شهر یزد و با بهره‌گیری از مدل ضریب ویژگی، محله‌های شهر یزد رتبه‌بندی گردید. نتایج نشان گر آن است که در مدل ضریب ویژگی، محله‌های شماره ۱۵، ۳۳، ۷، ۱۲ و ۱۰ به ترتیب در رتبه های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم قرار گرفتند و محله های شماره ۳۹، ۱۹ و ۸ نیز رتبه های آخر را به خود اختصاص داده اند.

مدل موریس

برنامه عمران سازمان ملل متحد، الگویی برای درجه بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی به کار برده است که هم جدیدترین الگوی رسمی به کار گرفته در سطح جهانی بوده و هم اینکه قابلیت گسترش و جایگزینی آنها در فضاهای مورد برنامه ریزی با مقیاسهای مختلف و متنوع قابل اجراست که به نام مدل موریس معروف است. روش موریس به طور خلاصه به صورت زیر است.

مرحله اول: جمع آوری داده های مورد نیاز بر اساس ماتریسی که در آن **I** ام ها معرف مولفه های مورد نظر تحقیق و **J** ام ها نواحی مورد بررسی در ارتباط با **I** ام ها است.

مرحله دوم: تعیین میزان محرومیت هر ناحیه **J** ام از هر شاخص **I** ام است که بر اساس رابطه زیر بدست می آید.

$$\text{میزان محرومیت} = \frac{\text{Max } x_{ji} - \text{Rx}_{ji}}{\text{Max } x_{ji}} x_{ji-\text{min}}$$

که $\text{max } x_{ji}$ حداکثر مقدار هر **J** ام از هر **I** ام، $\text{min } x_{ji}$ حداقل مقدار هر **J** ام از هر شاخص **I** ام، Rx_{ji} مقدار هر ناحیه **J** ام از هر شاخص **I** ام است.

لازم است ذکر شود که دامنه محرومیت هر ناحیه **J** ام از هر شاخص **I** ام طبق تعریف حداکثر محرومیت (حداقل برخورداری) معادل صفر و حداقل محرومیت (حداکثر برخورداری) معادل یک خواهد بود و به شرح زیر قابل محاسبه است:

مرحله سوم: محاسبه شاخص متوسط محرومیت **J** ام ها بر اساس داده های هر شاخص **I** ام که به شرح زیر محاسبه می گردد.

$$\frac{1}{n} \sum_j^n = \frac{\text{Max } x_{ji} - \text{Rx}_{ji}}{\text{Max } x_{ji} - \text{Min } x_{ji}}$$

مرحله چهارم: تعیین درجه برخورداری و میزان توسعه یافتگی هر **J** ام از مجموع شاخصهای **I** ام است که به صورت یک شاخص ترکیبی حاصل آمده است و شکل کلی ماتریس آن طبق ماتریس زیر است حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۵۲-۱۵۵).

$$1 - \frac{1}{n} \sum_j^n = \left(\frac{\text{Max } x_{ji} - \text{Rx}_{ji}}{\text{Max } x_{ji} - \text{Min } x_{ji}} \right)$$

بر اساس این مدل محله های شماره ۱۵، ۳۳، ۷، ۱۲ و ۲۱ رتبه های اول تا پنجم و محله های شماره ۳۹، ۱۹ و ۸ آخرین رتبه ها را به خود اختصاص داده اند.

بر اساس تلفیق نهایی نتایج مدلها، محله ۱۵ حایز رتبه اول، محله ۳۳ در رتبه دوم، محله ۷ در رتبه سوم، محله ۱۲ در رتبه چهارم و در نهایت محله های ۳۹، ۱۹، ۸ و ۳۸ در رتبه های آخر قرار گرفتند. بدین ترتیب محله های ۳۹ و ۱۹ توسعه بسیار کمتری یافته و از امکانات اندکی برخوردارند (جدول ۲ و نقشه ۲). سپس محلات حاشیه نشین و غیر حاشیه نشین به ترتیب با ارزشهای عددی ۱ و ۰ مشخص و داده های کیفی به داده های کمی تبدیل شده اند. نهایتاً با روش آزمون **T** میزان اعتبار همبستگی بین عدم توسعه یافتگی و حاشیه نشینی سنجش شد که این عدد معادل ۰/۰۳۵ است که به دلیل کوچکتر بودن از ۰/۰۵ قابل اعتبار است (وحیدی اصل، ۱۳۸۵: ۹۱-۸۴). جهت سنجش میزان تاثیرپذیری عامل حاشیه نشینی از توسعه نیافتگی محلات، اقدام به تحلیل از طریق رگرسیون خطی شده (مهدوی، ۱۳۸۳: ۱۸۷-۱۷۸) که این تحلیل نیز با ضریب همبستگی ۰/۳۲۴ و درجه اعتبار ۰/۰۳۹ نشان دهنده ارتباط بین عامل حاشیه نشینی و عدم توسعه یافتگی در محلات شهر یزد است. ولی فرض رابطه علت و معلولی بین این عوامل به دلیل فاصله ضریب رگرسیون از عدد یک رد می باشد. لذا می توان گفت که بین حاشیه نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و در نتیجه عدم توسعه یافتگی ارتباط معنی داری وجود دارد ولی این امر (حاشیه نشینی) از متغیرهای مستقل دیگری نیز تبعیت می کند که میزان تبعیت و همبستگی آن از سایر عوامل در مقایسه آماری با ضریب توزیع ۰/۶۷۶ خواهد بود.

جدول شماره ۲- رتبه بندی نهایی درجات توسعه در محله های شهر یزد

رتبه نهایی	مورس	تاکسولومی	استاندارد سازی	ضریب ویژگی	جمع اقدامات	۱۷
۴۴	۴۴	۴۶	۴۶	۴۵	۴۶	۱۸
۴۷	۴۸	۴۷	۴۶	۴۸	۴۵	۱۹
۲۴	۲۶	۲۲	۲۲	۲۶	۲۴	۲۰
۳۹	۳۵	۳۴	۳۴	۳۶	۳۴	۲۱
۳۹	۳۹	۳۸	۳۸	۳۴	۳۴	۲۲
۴۲	۴۵	۴۰	۴۲	۴۶	۴۵	۲۳
۸	۱۵	۸	۸	۳	۵	۲۴
۴۶	۴۹	۴۸	۴۹	۴۳	۴۸	۲۵
۲۵	۴۴	۲۵	۴۴	۱۶	۲۹	۲۶
۲۸	۲۸	۴۴	۴۴	۵۱	۵۷	۲۷
۲۴	۲۴	۲۵	۲۴	۲۵	۲۴	۲۸
۳۵	۳۵	۳۴	۳۵	۳۴	۳۴	۲۹
۱۶	۱۴	۱۳	۱۵	۲۲	۱۶	۳۰
۴۰	۳۹	۳۴	۳۷	۳۴	۳۴	۳۱
۲۹	۳۲	۳۸	۳۰	۳۱	۳۵	۳۲
۷	۶	۷	۶	۱۶	۱۸	۳۳

۱۲	۱۷	۱۲	۱۳	۱۴	۹	۳۴
۳۶	۳۶	۳۷	۳۷	۳۶	۳۶	۳۵
۲۶	۲۴	۲۶	۲۵	۲۷	۲۶	۳۶
۱۵	۱۱	۲۴	۱۹	۸	۱۰	۳۷
۳۸	۳۸	۳۹	۳۸	۳۸	۳۹	۳۸
۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۴۱	۳۹
۳۰	۲۹	۳۰	۲۹	۲۹	۳۰	۴۰
۳۷	۳۷	۳۶	۳۶	۳۷	۳۷	۴۱

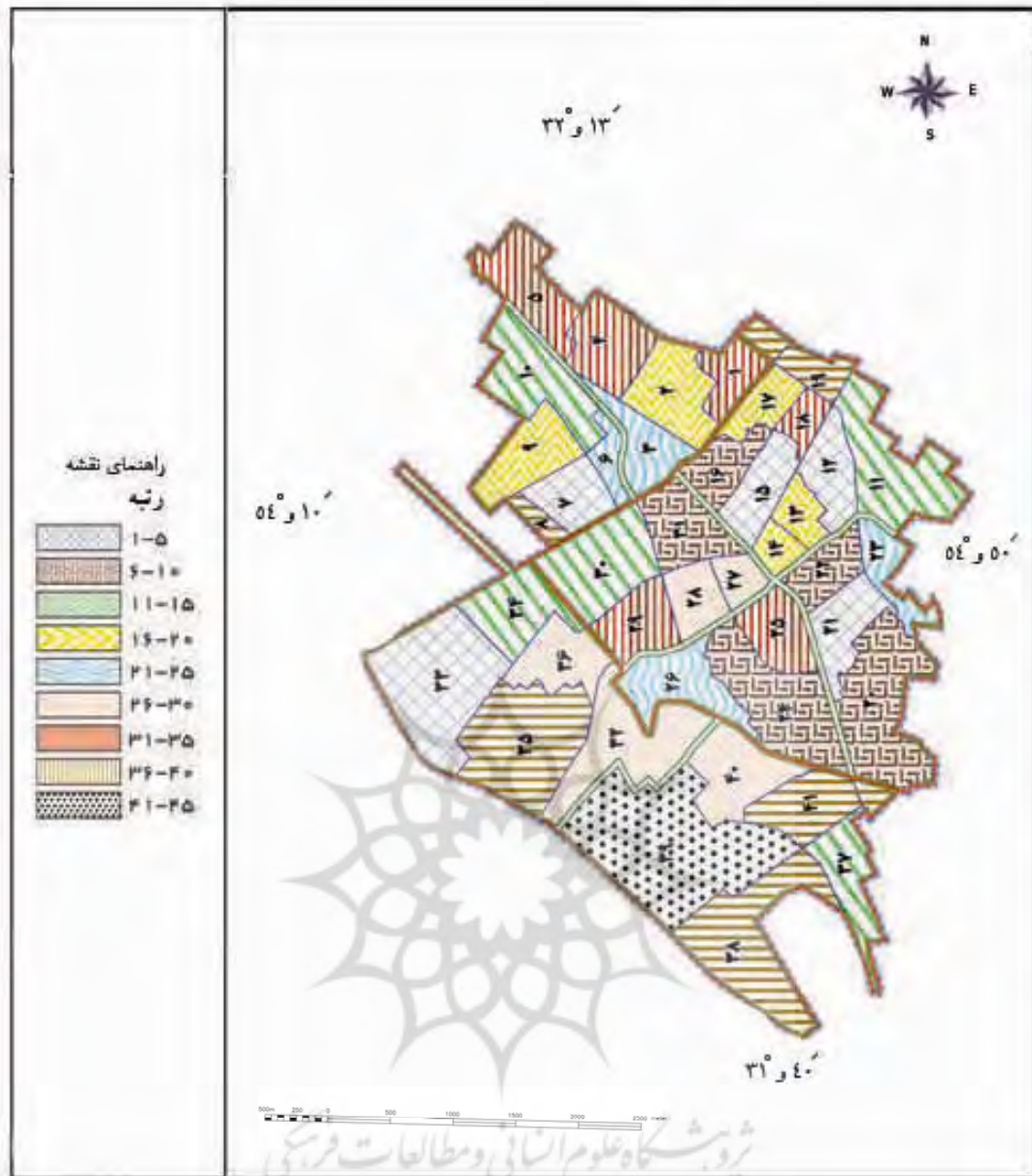
مأخذ: محاسبات نگارنده

سطح بندی محلات شهر یزد بر اساس میزان برخورداری از خدمات و امکانات شهری

یکی از موضوعاتی که در تحلیل محلات حاشیه نشینی دارای اهمیت است این است که اساساً این محلات از نظر میزان دریافت خدمات در چه حدی هستند و آیا محلاتی که حاشیه نشین نیستند الزاماً در سطح بالای جدول سطح بندی قرار می گیرند؟ جهت سهولت مطالعات و جلوگیری از طولانی شدن جدول رتبه بندی، اقدام به سطح بندی محله ها بر اساس نتایج رتبه بندی شده است. بدین منظور از مدل آنالیز خوشه ای^۱ سلسله مراتبی (کلانتری، ۱۳۸۲: ۳۳۰-۳۴۰) و نرم افزار **SPSS** استفاده و ۴۱ محله شهر یزد به ۶ سطح تقسیم بندی شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ - Cluster Analysis



شکل شماره ۳: نقشه رتبه بندی درجات توسعه در محله های شهر یزد

بر اساس نتایج تحلیل، کلیه محلات حاشیه نشین که دارای حداقل خدمات و کاربریها هستند در سطح ۱ قرار گرفته اند و محله های غیر حاشیه نشین شماره ۷ در سطح دوم، شماره ۹ در سطح سوم، شماره ۱۰ در سطح چهارم و شماره های ۱۵ و ۳۳ نیز به ترتیب در سطوح پنجم و ششم جای دارند.

قرار گرفتن کلیه محلات حاشیه نشین در سطح ۱ حاکی از آن است که الزاماً تمام محلات حاشیه نشین فاقد کاربریها و خدمات مناسب در تخصیص فضا و زمین هستند و محله های غیر حاشیه نشین نیز دارای تمایزاتی هستند و هر ۳۱ محله غیر حاشیه نشین الزاماً دارای تمام کاربریهای مطلوب و بهینه نیستند. لذا برای حاشیه نشین بودن یک محله، غیر از کمبود امکانات، خدمات و کاربریها، فاکتورها و شرایط دیگری نیز مطرح است. از اینرو رابطه علت و معلولی بین فقدان کاربریها در محلات و حاشیه نشینی با وجود ارتباط نزدیک و همبستگی مستقیم آنها

رد می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که یکی از ویژگیهای محلات حاشیه نشین کمبود فضاها و توزیع نامطلوب خدمات عمومی است ولی این کمبود امکانات می تواند در محلات غیر حاشیه نشین نیز مشهود باشد. لذا عدم توسعه یافتگی در کاربری زمین و خدمات شهری از عوامل موثر در حاشیه نشینی بوده ولی دلایل و ویژگیهای دیگری نیز علاوه بر عدم توسعه یافتگی در شاخصهای مذکور، برای حاشیه نشینی وجود دارد.

تاثیرات عوامل مختلف بر آسیبهای اجتماعی در محلات حاشیه نشین شهر یزد

در این قسمت از تحقیق، آسیب های اجتماعی به عنوان یکی از بازتابهای حاشیه نشینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جامعه آماری در صفت «حاشیه نشین بودن» مشترک بوده و شامل تمامی خانوارهای واقع در محله های حاشیه نشین شهر است. حجم نمونه با استفاده از واریانس به دست آمده از پیش آزمون سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای احتمالی پنج درصد ۲۸۲ نفر (خانوار) محاسبه گردید. بدین منظور از عوامل و آسیبهای اجتماعی موثر در حاشیه نشینی، ۳ شاخص مهاجرت، بیکاری و میزان درآمد به عنوان متغیرهای مستقل و آسیبهای اجتماعی به عنوان متغیر تابع مورد بررسی قرار گرفته و توسط نرم افزار **spss** و با استفاده از روش آزمون کای اسکور (χ^2) و ی-کرامرز تجزیه و تحلیل شده اند. در این آزمون فرض صفر معمولاً همسو بودن یا همخوانی نسبتهای فراوانی دو گروه در مقوله های مورد بررسی است. در واقع اگر بین متغیر گروه و متغیر مورد بررسی اثر متقابل وجود داشته باشد گروهها همسو نبوده و فرض صفر رد می شود بدین سان می توان گفت که بین گروه و متغیر مورد بررسی رابطه وجود دارد.

(۱) آیا بین مهاجرت و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه وجود دارد؟

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب ارتکاب جرایم و مهاجرت

محل سکونت پاسخگویان (مهاجرت)			ارتکاب جرم
شهری غیر از محل تولد	جابجایی محل سکونت	محل تولد	
۱۲/۵	۲۵	۶۲/۵	بلی
۱۲/۹	۲۷/۱	۶۰	خیر

$$\chi^2 = ۰/۵۲۹$$

$$\text{Sig} = ۰/۷۶۷$$

جدول شماره ۳ نشان میدهد در بین افرادی که مرتکب جرم شده اند، ۶۲/۵ درصد آنان در محله تولد خودشان سکونت داشته اند و تنها ۳۷/۵ درصد آنان از محله تولد خود نقل مکان کرده و مهاجر محسوب می شوند. البته تقریباً همین نسبت در بین کسانی که مرتکب جرم نشده اند نیز وجود دارد. همچنین انجام آزمون آماری کای دو در مورد رابطه بین دو متغیر فوق معنادار نشده است ($\text{Sig} = ۰/۷۶۷$). بنابراین بین مهاجرت و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه معنی داری وجود ندارد.

(۲) آیا بین بیکاری و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه وجود دارد؟

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب ارتکاب جرایم و بیکاری

میزان بیکاری در طول سال			ارتکاب جرم
زیاد	متوسط	کم	
۵۵/۶	۱۱/۱	۳۳/۳	بلی
۱۷/۴	۱۸/۵	۶۴/۱	خیر

$$\text{Cramer's } V = ۰/۱۷۷ \quad \text{Sig} = ۰/۰۱۵ \quad \chi^2 = ۸/۳۶۳$$

بر اساس جدول شماره ۴ در بین افرادی که مرتکب جرائم شده‌اند، ۵۵/۶ درصد آنان اکثراً در طول سال بیکارند. در حالی که ۱۷/۴ درصد از کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند به میزان زیادی در طول سال بیکارند. آزمون آماری کای دو نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار ($\text{Sig}=۰/۰۱۵$) بین این دو متغیر است. به عبارت دیگر، افرادی که به میزان بیشتری در طول سال بیکارند بیشتر مرتکب جرائم شده‌اند. (۳) بین درآمد خانواده و ارتکاب جرایم اجتماعی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی نسبی پاسخگویان بر حسب ارتکاب جرایم و درآمد خانوار

درآمد خانوار (هزار تومان)			ارتکاب جرم
بیشتر از ۳۰۰	۱۵۱-۳۰۰	۱۵۰ و کمتر	
۱۲/۵	۳۷/۵	۵۰/۰	بلی
۱۹/۹	۶۷/۳	۱۲/۸	خیر

$$\chi^2 = ۸/۸۱۸ \quad \text{Sig} = ۰/۰۱۲ \quad \text{Cramer's } V = ۰/۱۹۴$$

آمار جدول شماره ۵ بیانگر این است که در بین افرادی که مرتکب جرم شده‌اند، درآمد ماهیانه خانواده ۵۰ درصد پاسخگویان زیر ۱۵۰ هزار تومان بوده است و تنها ۱۲/۵ درصد آنان دارای خانواده‌ای با درآمد ماهیانه ۳۰۰ هزار تومان و بیشتر بوده‌اند، در حالی که ۱۲/۸ درصد از کسانی که مرتکب جرم نشده‌اند، درآمد ماهیانه خانواده‌شان زیر ۱۵۰ هزار تومان بوده است. آزمون‌های بررسی شده در مورد رابطه بین دو متغیر فوق معناداری آن را تأیید می‌کند ($\text{Sig}=۰/۰۱۲$). به عبارت دیگر هر چه درآمد خانواده کمتر باشد ارتکاب جرم بیشتر است. بر اساس محاسبات صورت گرفته چنین بر می‌آید که بین متغیر بیکاری و میزان درآمد و جرایم اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد ولی رابطه معنی‌داری بین عامل مهاجرت و جرایم اجتماعی مشاهده نشده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

حاشیه‌نشینی از پیامدهای توسعه ناهمسو و بدریخت در نظام شهرنشینی است. اشاعه قابل توجهی از ثروت و از سوی دیگر اقلیت‌هایی که در فقر زندگی می‌کنند، از ناکامی‌های خط مشی شهری قلمداد می‌شوند. در روند گسترش شهرها نیز طی چند دهه اخیر آبادی‌ها و روستاهای بسیاری به شهرها پیوند خورده و در آنها ادغام گردیده‌اند. این مناطق تمامی محله‌های حاشیه‌نشین شهر یزد را تشکیل داده‌اند (نقشه ۱). آثار نابرابری محله‌های شهر یزد در برخورداری از کاربریهای شهری در شکل استفاده از فضا بازتاب پیدا کرده است. از این رو وقتی حاشیه

نشینان پراکندگی نابرابر منابع و خدمات شهری را ناعادلانه دیدند و خود را ناتوان از بهبود موقعیت اقتصادی- اجتماعی خویش احساس کردند، احساس محرومیت در آنها بوجود آمده و آنها را به ارتکاب جرائم اجتماعی وادار کرده است.

با در نظر گرفتن ضریب پراکندگی کل شاخصها در محلات حاشیه نشین (۱۸۸/۹) و محلات غیر حاشیه نشین (۱۴/۴۹) چنین استنباط می شود که این شاخصها ۱۳/۱۱ برابر در ضریب پراکنش، دارای عدم تعادل بوده و کاربریها در محلات غیر حاشیه نشین تمرکز بالایی را داشته و به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در حاشیه نشینی محسوب می شوند (جدول و نمودار شماره ۱). از سوی دیگر، بر اساس مدل های رتبه بندی سکونتگاهها، محله شماره ۱۵ حایز رتبه اول، محله ۳۳ در رتبه دوم، محله ۷ در رتبه سوم، محله ۱۲ در رتبه چهارم و در نهایت محله های ۳۹، ۱۹، ۸ و ۳۸ در رتبه های آخر درجه توسعه یافتگی قرار گرفتند (نقشه شماره ۲). بر اساس مدل های آزمون T و رگرسیون خطی، ضریب همبستگی ۰/۳۲۴ و درجه اعتبار ۰/۳۹ نشان دهنده ارتباط معنی داری بین حاشیه نشینی و توزیع ناعادلانه خدمات و عدم توسعه یافتگی است. بر اساس مدل خوشه ای، قرار گرفتن کلیه محلات حاشیه نشین در سطح ۱ حاکی از آن است که الزاماً تمام محلات حاشیه نشین فاقد کاربریها و خدمات مناسب در تخصیص فضا و زمین هستند و محله های غیر حاشیه نشین نیز دارای تمایزاتی هستند و هر ۳۱ محله غیر حاشیه نشین دارای تمام کاربریهای مطلوب و بهینه نیستند لذا برای حاشیه نشین بودن یک محله، غیر از کمبود امکانات، خدمات و کاربریها، فاکتورها و شرایط دیگری نیز مطرح بوده است.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که یکی از عوامل شکل گیری و توزیع فضایی محلات حاشیه نشین کمبود فضاها و توزیع نامطلوب خدمات عمومی است. یافته های این قسمت از تحقیق به موازات دیدگاه بوم شناسی شهری بوده است، که علت شکل گیری مناطق حاشیه نشین را تمرکز گروه های فقیر در نواحی فاقد امکانات و خدمات کافی و محلات ارزان قیمت شهری بیان کرده است.

یکی دیگر از یافته های این تحقیق در رابطه با پیامدهای اجتماعی حاشیه نشینی، رابطه بین میزان درآمد و ارتکاب جرم در بین حاشیه نشینان بوده است. از دیدگاه جغرافیای اقتصادی، این موضوع حایز اهمیت است. افراد مناطق حاشیه نشین که به دلایل مختلفی از داشتن درآمد بالا محروم هستند، به سختی قادرند تا حداقل معیشت را تأمین نمایند. عامل دیگری که رابطه معنی داری با ارتکاب جرائم اجتماعی داشت بیکاری بود. نداشتن درآمد و تحمل فشارهای اقتصادی از یکسو و فشارهای اجتماعی و روانی مترتب بر این مسأله از سوی دیگر باعث شده است که افکار نادرستی به ذهن افراد بیکار خطور کند و آنها را به رفتارهای بزهکارانه و ارتکاب جرائم اجتماعی وادار نماید. یافته های این قسمت از تحقیق نیز، همسو با نظریات فشار و قشر بندی اجتماعی و بویژه نظریه محرومیت است که مدعی است افراد به دلیل داشتن مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد از یک سو و مقایسه خود با دیگرانی که در شهر هستند از سوی دیگر، تمایل زیادی به ارتکاب رفتار مجرمانه پیدا کرده اند. شرط اول پیشگیری از ایجاد محله های حاشیه نشین در سطح شهر، قضیه دست یابی به توسعه متوازن در سطح ملی از طریق آمایش سرزمین می باشد. چرا که تا زمانیکه مناطق مختلف کشور به توسعه نسبتاً متوازن دست نیابد نه تنها در بین شهرهای مختلف مناطق بلکه در داخل یک شهر شکافهای عمیقی که منجر به نابرابری و ایجاد محله های حاشیه نشین می گردد پدیدار خواهد

گردید. از اینرو برنامه ریزان شهری باید به بازتولید و تعادل اجتماعی توجه ویژه نمایند و تأمین نیازهای پایه (غذا، سرپناه، آب زهکشی و دفع مواد زاید، تأسیسات بهداشتی و تسهیلات آموزشی) را سرلوحه کار خود قرار دهند.

منابع

۱. آقابخشی، حبیب‌الله، (۱۳۸۲): حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)، جلد دوم، تهران، دانشگاه بهزیستی و توانبخش.
۲. امکچی، حمیده، (۱۳۸۱): ابزارهای حقوقی و قانونی مؤثر بر برون‌فکنی جمعیت و بروز حاشیه‌نشینی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی اجتماعی کشور، فصلنامه هفت‌شهر، سال سوم، شماره نهم و دهم.
۳. انصاری، عبدالمعبود، (۱۳۶۹): ایرانیان مهاجر در ایالات متحده، پژوهشی در حاشیه‌نشینی دوگانه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، آگاه.
۴. باستیه، ژان و دزر، برنار، (۱۳۷۷): شهر، ترجمه علی اشرفی، انتشارات دانشگاه هنر.
۵. باوی، جواد، (۱۳۸۴): ساماندهی مناطق حاشیه‌نشین شهر اهواز با تأکید بر منطقه ملاحیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد.
۶. برآبادی، محمود، (۱۳۸۴): الفبای شهر، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
۷. پاتر، رابرت، ب و سلی لوید، ایونز، (۱۳۸۴): شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه کیومرث ایران‌دوست، مهدی دهقان منشادی و میترا احمدی، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور.
۸. پوراحمد، احمد، (۱۳۸۶): قلمرو و فلسفه جغرافیا، دانشگاه تهران.
۹. پیران، پرویز (۱۳۸۰): جنبش‌های اجتماعی شهری با نگاهی به شرایط ایران، ماهنامه آفتاب، شماره‌های ۲، ۴، ۷.
۱۰. حاتمی نژاد، حسین، (۱۳۸۲): اسکان غیررسمی در کلان‌شهر مشهد، دانشگاه تهران.
۱۱. حاج یوسفی، علی، (۱۳۸۱): حاشیه‌نشینی شهری و فرآیند تحول آن، قبل از انقلاب اسلامی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۴۲.
۱۲. دهقان منشادی، مهدی، (۱۳۸۵): توسعه پایدار در سایه روشنهای شهر، یزد، انتشارات مفاخر.
۱۳. ربانی، رسول و افشارکهن، جواد (۱۳۸۱): حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۳ و ۲۴.
۱۴. ضویان، محمدتقی، (۱۳۸۱): برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، انتشارات منشی.
۱۵. زیاری، کرامت‌الله، (۱۳۸۱): برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه یزد.
۱۶. شکویی، حسین، (۱۳۷۸): اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، گیتا شناسی.
۱۷. شیخی، محمد تقی، (۱۳۸۰): جامعه‌شناسی شهری، انتشارات شرکت سهامی.
۱۸. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۵): انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی.
۱۹. قربان‌نیا، ناصر، (۱۳۸۰): عدالت حقوقی، نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۰. قرخلو، مهدی و عبدالنبی شریفی، (۱۳۸۳): پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی حاشیه

- نشینی (مطالعه موردی، محله عین ۲ اهواز)، مجله پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۵۰.
۲۱. کلانتری، خلیل، (۱۳۸۲): برنامه ریزی توسعه منطقه ای، خوش بین.
۲۲. مهدوی، مسعود و مهدی طاهرخانی، (۱۳۸۳): کاربرد آمار در جغرافیا، قومس.
۲۳. مهندسین مشاور معماری و شهرسازی (عرصه)، (۱۳۸۶): طرح جامع شهر یزد، جلد ۱، ۲، ۳، سازمان مسکن و شهرسازی استان یزد.
۲۴. نظریان، اصغر، (۱۳۸۴): نقطه کلان شهری و بازتاب فضایی آن (مورد تهران)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال دوم، شماره ۷.
۲۵. _____، سیمین تولائی، مریم خسروی، (۱۳۸۵): تعیین جهت توسعه فیزیکی شهر اندیمشک با استفاده از داده های ماهواره ای (RS) و (GIS)، مجله سرزمین، شماره ۹.
۲۶. وارثی، حمیدرضا و قائد رحمتی، صفر، (۱۳۸۶): بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت، مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه.
۲۷. وحیدی اصل، محمداقاسم، (۱۳۸۶): آمار و احتمال در جغرافیا ۲، پیام نور.
۲۸. هال، پیتر، (۱۳۸۷): برنامه ریزی شهری و منطقه ای، ترجمه جلال تبریزی، چاپ دوم، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۲۹. هیراسکار، جی کی، (۱۳۸۷): درآمدی بر مبانی برنامه ریزی شهری، ترجمه محمد سلیمانی و احمد رضا یکانی فرد، جهاد دانشگاهی تهران.
30. Agnew, R ,(1992): Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency, *Criminology*, vol 30, PP. 47 – 87.
31. Agnew, R, (1999): A General Strain Theory of Community Differences in Crime Rates, *Journal of Reserech in Crime and Delinquency*, Vol. 36, No. 2.
32. Arbakaf, A, (2008): on the measurement of service sector in urban economy, Roudledge- London.
33. Blau, J. R, and P. M. Blau, (1982): The cost of inequality: Metropolitan structure and violent crime, *American Sociological Review* 47:114–129.
34. Clinard, Marshal.B, (1966): Slum and Community Development, The free Press, New york.
35. Fowles, R. and M. Merva, (1996): Wage inequality and criminal activity: An extreme bounds analysis for the United States, 1975–1990. *Criminology* 34:163–182.
36. Hanink, D, (2007): Application of urban economy, Oxford university.
37. Kovandzic, T.; L. M. Vieraitis, and M. R. Yeisle (1998): The structural covariates of urban homicide: Reassessing the impact of income inequality and poverty in the post-Reagan era. *Criminology* 36:569–599.
38. Messner, S. F, (1982): Poverty, inequality, and the urban homicide rate. *Criminology* 20:103–114.
39. Miller, David ,(1999): principles of social justice, Harvard college, USA.
40. Seigel, L ,(1998): *Criminology*. london, Wadsworth Publishing Company

41. Seigel, L. and J. Senna ,(1997): *Juvenile Delinquency*. Six Edition, West Publishing Company.
42. Williams, K. R, (1984): Economic sources of homicide: Reestimating the effects of poverty and inequality. *American Sociological Review* 49:283-289.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی